

حمایت از شهود در قوانین داخلی و کنوانسیون های بین المللی

عامر مقدم^۱، جمال آلبوحصار^۲

^۱ کارشناس ارشد جزا و جرم شناسی

^۲ کارشناس ارشد جزا و جرم شناسی

چکیده

توجه بیش از حد به ارزش اثباتی محتوای شهادت، پژوهشگران را از یکی از مهم ترین ارکان شهادت یعنی حمایت از شاهد در فرآیند دادرسی غافل کرده است. شاهد که بار تحمل و ادای شهادت را بر عهده دارد، به ویژه در جرایم شدید و یا سازمان یافته همواره از ناحیه بزهکاران و یا همدستان آنها در معرض تهدید، آزاد و اذیت جسمی و روانی است. ترس از تهدیدات و عذاب های روحی و جسمی موجب عدم رغبت افراد به عنوان شاهد با دستگاه قضایی و در نتیجه عدم کشف بسیاری از جرایم می شود. حمایت از شهود در ابعاد مختلف جسمی، روحی، امنیتی، روانشناختی و مالی در حد مطلوبی در کنوانسیون های بین المللی و همچنین آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ کشورمان مورد توجه قرار گرفته است. نتایج این مقاله که به صورت توصیفی-تحلیل به انجام رسیده، نشانگر آن است که با تدوین قوانین تخصصی در زمینه ی حمایت از شهود و اشاره به این موضوع در قوانین درگر، شاهد بعنوان یکی از مهمترین عناصر حفظ امنیت در جامعه مورد حمایت قرار گرفته است.

واژه های کلیدی: شهادت، شاهد، مطلع، حمایت های کیفری، حمایت های غیر کیفری، کنوانسیون های بین المللی.

مقدمه

برای اینکه شهود در ادای شهادت و کمک به اجرای عدالت کیفری دچار تردید نگشته و احساس خطر ننماید، باید از آنها حمایت های مؤثری صورت پذیرد، زیرا بزهکاران به منظور فرار از دست قانون و اجرای عدالت به هر شیوه ای ولو تهدید شهود و ترساندن آنها متوسل می شوند؛ بنابراین، با حمایت از شهود در برابر تهدید بزهکاران چه در جریان دادرسی و چه بعد از آن می توان زمینه حضور آنها را به صورت ایمن فراهم نمود.

حمایت از شهود در پرتو اقدامات حمایتی مختلفی امکان پذیر است. توجه به قوانین داخلی کشورهایی که برنامه های حمایت از شهود را اعمال می نمایند و همچنین توجه به اسناد و کنوانسیون های بین المللی که در آنها حمایت از شاهد مورد توجه قرار گرفته است، نشان دهنده این موضوع است که تدوین کنندگان این قوانین و اسناد اقدامات حمایتی مختلفی را به منظور حمایت از شهود مورد توجه قرار داده اند.

به هر حال حمایت از شاهد از طریق اتخاذ راه کارهای غیرکیفری بیش از اقدامات کیفری مورد توجه واقع گردیده است، ولی ما در نوشتاری که پیش روست، انواع اقدامات حمایتی قانون گذار ایران و کنوانسیون های بین المللی را مورد بررسی قرار داده ایم که به تفصیل در طول نوشتار خواهیم دید.

رویکردهای کیفری حمایت از شهود

این مبحث شامل رویکردهای کیفری حمایت از شهود می باشد که در قوانین ماهوی (گفتار اول) و قوانین شکلی (گفتار دوم) مورد بررسی قرار می گیرد.

در قوانین ماهوی

اتخاذ تدابیر حمایتی در قوانین ماهوی کشورها یکی از شیوه هایی است که به منظور حمایت از شهود مورد استفاده قرار گرفته است. توجه به قوانین ماهوی داخلی و خارجی ما را به این نکته رهنمون می سازد که قانونگذاران به ندرت موادی را به صراحت به حمایت از شهود اختصاص داده اند. در عین حال با توجه به محتوای برخی از مواد می توان به صورت ضمنی حمایت از شهود را استنباط کرد. به هر حال این حمایت ها را در این گفتار بررسی می کنیم.

۱- حمایت های کیفری از شهود

۱-۱ جرم انگاری تهدید شاهد

تهدید به اقدام علیه دیگری، از جمله اعمالی است که قانونگذاران کشورهای مختلف آن را در قوانین داخلی خود جرم تلقی کرده اند. در ماده ۶۶۹ ق.م.ا مقرر گردیده است: «هرگاه کسی دیگری را به هر نحو تهدید به قتل یا ضررهای نفسی یا شرفی و یا به افشای سری نسبت به خود یا بستگان او نماید اعم از اینکه به این واسطه تقاضای وجه یا مال یا تقاضای انجام امر یا ترک فعلی را نموده یا ننموده باشد به مجازات شلاق تا هفتاد و چهار ضربه یا زندان از دوماه تا دوسال محکوم خواهد شد.» برای تحقق جرم موضوع این ماده عمل ترساندن طرف دیگر به هر آنچه برای وی ناخوشایند است باید صورت پذیرد. این تهدید بنا به تصریح مواد می تواند شامل تهدید به قتل یا ضررهای نفسی و شرفی یا افشای سر باشد. (صادقی، ۱۳۸۶) اما باید خاطر نشان کرد که تهدید به آسیب رساندن به بستگان شخص تهدید شده نیز کفایت می کند. البته مقصود از بستگان خویشاوندان نزدیک سببی یا نسبی فرد می باشد که ورود ضرر به آنها برای فرد نگران کننده است. در قانون مجازات اسلامی، قانونگذار موضوع تهدید را به قید حصر شامل قتل یا ضررهای نفسی یا شرفی یا مالی و افشای سر می داند. باتوجه به صراحت مواد، خواسته

تهدیدکننده و به عبارت دیگر انگیزه او برای ارتکاب جرم در نظر قانونگذار اهمیت ندارد؛ بنابراین، اگر کسی شاهدهی را به قتل یا سایر ضررهای ذکر شده در مواد قانونی تهدید کند و خواسته او عدم شهادت شاهد باشد جرم تهدید محقق شده است. افزون بر این، قانونگذار در ماده ۶۵۲ ق.م.ا به ذکر جرم انگاری سرقت مقرون به آزار یا تهدید پرداخته است. با توجه به این ماده اگر مرتکب یا مرتکبان در حین سرقت به تهدید شاهدهی که وقوع این جرم را مشاهده کرده یا به تهدید بزه دیده جرم که شاهد نیز به شمار می آید بپردازد، جرم موضوع این ماده محقق گردیده است. از ظاهر ماده یادشده اینگونه برداشت می شود که تهدید باید برای ارتکاب جرم سرقت یعنی سهولت در انجام آن باشد، اما شاید بتوان در راستای حمایت از حقوق بزه دیدگان و شاهدان جرم این ماده را اینگونه تفسیر کرد که چون قانونگذار به طور مطلق از سرقت مقرون به آزار سخن گفته اظهار نکرده است که این تهدید یا آزار حتماً باید در راستای ارتکاب جرم سرقت باشد، لذا هرگونه تهدیدی یا آزاری شامل این ماده می شود که از جمله این تهدیدها می توان به تهدید شهود جرم اشاره کرد، اما اگر این تفسیر را نپذیریم می توان این پیشنهاد را در راستای حمایت از شاهد به قانونگذار داد که تهدید شهود در هنگام سرقت به منظور جلوگیری از مراجعه شهود به دادگستری و ادای شهادت، به صورت مستقل جرم انگاری شود. (باقری نژاد، ۱۳۸۸)

به هر حال از مواد مربوط به تهدید، می توان تهدید به شهود را استنباط کرد، اما اگر قانونگذار به صراحت به جرم انگاری تهدید شهود به منظور جلوگیری از ادای شهادت به عنوان یکی از جرایم علیه عدالت قضایی بپردازد یا در صورتی که تهدید به منظور جلوگیری از ادای شهادت باشد مجازات مقرر قانونی تشدید شود هدف حمایت از شهود بهتر تأمین می گردد.

۱-۲ جرم انگاری توهین به شاهد

جرم توهین از جمله جرایم علیه حیثیت معنوی اشخاص محسوب می شود. برای این جرم تعاریف مختلفی ارائه شده است اما آنچه در تعریف توهین اهمیت دارد این است که رفتار مرتکب عرفاً باعث تحقیر و تحقیر بزه دیده شود. اداره حقوقی قوه قضاییه در نظریه شماره ۷/۳۴۷۲ - ۱۳۷۷/۸/۱۶ در تأیید عرفی بودن توهین اظهار داشته است: «اهانت، امر عرفی و تشخیص آن با قاضی رسیدگی کننده به پرونده است.» افزون بر این رفتار مرتکب باید موهن باشد. دیوان عالی کشور نیز در رأی شماره ۱۳۱۹/۷/۱۳ - ۲۲۶۸ تصریح کرده است که صرف خشونت در گفتار را نمی توان توهین کیفری محسوب نمود.

این جرم در ماده ۶۰۸ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ پیش بینی شده است که مقرر می دارد: «توهین به افراد از قبیل فحاشی و استعمال الفاظ رکیک چنانچه موجب حد قذف نباشد به مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه و یا پنجاه هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی خواهد بود.» این جرم در ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به عنوان یک جرم قابل گذشت شناخته شده است که طبق تبصره ۱ ماده ۱۰۰ همان قانون «شروع و ادامه تعقیب و رسیدگی و اجرای مجازات منوط به شکایت شاکی و عدم گذشت وی است.»

با توجه به استفاده مقنن از واژه افراد در ماده ۶۰۸ توهین به اشخاص حقوقی مشمول ماده نمی شود؛ بنابراین نمی توان کسی را به ارتکاب توهین علیه دولت یا یک اداره دولتی، یک شرکت خصوصی، شهرداری و نظایر آنها محکوم کرد. پس مخاطب جرم شخص حقیقی است. آن هم هر شخص حقیقی اعم از شخص عادی یا رسمی. شاهد نیز در زمره اشخاص حقیقی است که می تواند مخاطب این جرم قرار گیرد؛ اما توهین به شاهد از جمله جرم انگاری ساده می باشد. چرا که در قانون مجازات اسلامی جرم توهین به ساده و مشدد تقسیم می شود. ولی با مطالعه شرایط هر یک از آنها پی می بریم که شاهد و توهین به وی دارای مشخصه خاصی نیست که مشمول عنوان توهین مشدد باشد (میر محمد صادقی، ۱۳۹۲).

در کنوانسیون های بین المللی همانند تهدید شاهد، به صراحت به جرم انگاری توهین به شاهد نیز پرداخته نشده است، اما از آنجا که اجازه اقدامات حمایتی ضروری از شاهد به کشورها داده است قانون گذاران می توانند در راستای حمایت از شهود، به جرم انگاری توهین به شاهد نیز بپردازند. (باقری نژاد، پیشین)

۳-۱ جرم انگاری افشای هویت یا اقامتگاه شاهد

در قانون مجازات اسلامی افشای اسرار مردم در برخی موارد وصف مجرمانه دارد. این عمل منوط به آن است که شخص به مناسبت شغل یا حرفه خود محرم اسرار مردم شود. این جرم در ماده ۶۴۸ قانون تعزیرات به شرح زیر مورد پیش بینی مقنن قرار گرفته است: «اطبا و جراحان و ماماها و داروفروشان و کلیه کسانی که به مناسبت شغل یا حرفه خود محرم اسرار مردم می شوند، هرگاه در غیر از موارد قانونی اسرار مردم را افشا کنند به سه ماه و یک روز تا یکسال حبس و یا به یک میلیون و پانصد هزار ریال تا شش میلیون ریال جزای نقدی محکوم می شوند.» شمول این ماده تنها نسبت به افرادی است که نوع شغل یا حرفه آنها موجب دسترسی آنان به اسرار مردم که نوعاً داعی بر پنهان کردن آنها دارند می شود. علاوه بر اشخاص مذکور در ماده می توان وکلای دادگستری، کارشناسان رسمی، مأموران تشخیص و سایر مراجع مالیاتی، قضات، سردفتران اسناد رسمی، مترجمان رسمی و مأموران انتظامی را نیز در زمره این افراد قرار داد. بر این اساس، هویت شاهد به عنوان اسراری در اختیار مقامات و همچنین کارمندان دادگستری قرار دارد که باید از افشای آن در غیر از موارد قانونی خودداری شود. در ماده ۲۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ این تدبیر اندیشیده شده است. مطابق این ماده: «الف - هر گاه بیم خطر جانی یا حیثیتی و یا ضرر مالی برای شاهد یا مطلع و یا خانواده آنان وجود داشته باشد اما استماع اظهارات آنان ضروری باشد بازپرس به منظور حمایت از شاهد یا مطلع و با ذکر علت در پرونده تدابیر زیر را اتخاذ می کند: ... ب - عدم افشای اطلاعات مربوط به هویت، مشخصات خانوادگی و محل سکونت یا فعالیت شاهد یا مطلع...»

حمایت از شهود از طریق منع افشای هویت و اقامتگاه شاهد در اسناد و کنوانسیون های بین المللی نیز پیش بینی شده است. در ماده ۲۲ اساسنامه دادگاه کیفری بین المللی برای یوگسلاوی سابق و ماده ۲۲۱ اساسنامه دادگاه کیفری بین المللی رواندا مقرر گردیده است: «دادگاه بین المللی باید در مقررات و آیین دادرسی و ادله خود برنامه های حمایت از شهود و بزه دیده را مقرر دارد و چنین اقدامات و تدابیر حمایتی شامل: ... مجرمانه نگاه داشتن هویت قربانیان جرم نیز هست...» به منظور اجرای این ماده در مواد ۶۹۲ و ۷۵۳-۲ مقررات آیین دادرسی و ادله دیوان یوگسلاوی سابق و رواندا پیش بینی شد که دادستان در مرحله تحقیقات مقدماتی و دادگاه در مرحله رسیدگی قادر به اتخاذ تصمیم در مورد منع افشای هویت یا اقامتگاه شاهد باشد. در بند الف ماده ۸۷-۳ قواعد دادرسی و ادله دیوان کیفری بین المللی نیز به منظور حمایت از شاهد مقرر گردیده: «نام بزه دیدگان و شهود یا هر شخصی که به واسطه شهادت در معرض خطر قرار می گیرند و دیگر اطلاعات هویتی از گزارش های علنی دادگاه حذف شود.» همچنین در ماده ۳۲ کنوانسیون مبارزه با جنایات سازمان یافته فراملی به منظور حمایت از شهود در مقابل گروههای مجرمانه سازمان یافته عدم افشای هویت یا اقامتگاه شاهد پیش بینی گردیده است (اردبیلی، ۱۳۸۰)

۲-۲ حمایت های قانونی از شهود

۲-۱ در قوانین شکلی

قوانین شکلی و آیین رسیدگی به جرایم نیز دارای رویکردهای حمایتی در خور توجهی نسبت به شهود می باشند. در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و همچنین کنوانسیون ها و اسناد بین المللی نیز این حمایت ها مورد تأکید قرار گرفته است. در این گفتار به این موارد می پردازیم.

۱-۱-۲ بازداشت موقت متهم

در قانون اصول محاکمات جزایی ۱۲۹۰ از کلمه توقیف احتیاطی به جای «بازداشت موقت»، استفاده شده که در تعریف توقیف احتیاطی می توان گفت: توقیف احتیاطی یعنی بازداشت متهم در تمام یا قسمتی از مرحله بازپرسی، قبل از آنکه به موجب حکم دادگاه محکوم گردد. (آشوری، ۱۳۸۴)

اما به هر حال دو اصطلاح «بازداشت موقت» و «توقیف احتیاطی» به جای همدیگر به کار رفته و تفاوت چندانی با هم ندارند. البته به نظر می‌رسد با توجه به اینکه در قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری و امور مدنی از کلمه «توقیف» بیشتر برای ضبط اموال استفاده شده، این اصطلاح، حوزه شمول بیشتری نسبت به بازداشت داشته باشد، مضافاً اینکه بازداشت معمولاً شامل نگهداری شخص حتی در محلی غیر از زندان و بازداشتگاه، مانند محل کار، مسافرخانه و منزل هم می‌شود. به هر حال در هر مورد، آزادی شخص سلب شده و از خروج و رهایی او جلوگیری به عمل می‌آید.

البته برای آشنایی بیشتر با معنای «بازداشت» می‌توان «آزادی» را که در مقابل آن قرار دارد، تعریف و بررسی نمود. مقصود از آزادی، داشتن اختیار تن و روان در حدی که قوانین اساسی و عادی برای اشخاص شناخته، یک حد اصلی آزادی هر فرد و آزادی فردی سایر اشخاص و حد دیگر آن مصالح عمومی اجتماعی است. (پاد، ۱۳۸۱).

آزادی، عبارت است از اینکه اشخاص بتوانند هر کاری را که صلاح و مقتضی بدانند انجام دهند. مشروط به آنکه اقدامات و عملیات آنها صدمه به حقوق دیگران وارد نساخته و با حقوق جامعه منافات نداشته باشد و الا آزادی منجر به هرج و مرج می‌گردد. به عبارتی انسان موجودی اجتماعی است و با وجود آزادی و استقلال طبیعی، اجتماع قهری انسان‌ها افراد را به صورت جزء تابعی از جامعه در می‌آورد و آزادی محدود به منافع اجتماعی می‌گردد. (هاشمی، ۱۳۹۰) لذا در مواردی به انحاء گوناگون از سوی مقامات و مأمورین قضایی و اجرایی محدودیت‌هایی نسبت به آزادی شخص که گاه عنوان متهم را دارد ایجاد می‌گردد.

در قانون آیین دادرسی کیفری سابق به تقلید از قانون اصول محاکمات جزایی، دو نوع قرار بازداشت موقت طی مواد ۳۲ و ۳۵ این قانون به صراحت پیش بینی شده بود؛ اما اکنون در ماده ۲۳۷ آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ آمده است: صدور قرار بازداشت موقت جایز نیست مگر در مورد جرایم زیر که دلایل، قرائن و امارات کافی بر توجه اتهام به متهم دلالت کند:

الف) جرایمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات یا قطع عضو و در جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی، جنایاتی که میزان دیه آنها ثلث دیه کامل مجنی علیه یا بیش از آن است.

ب) جرایم تعزیری که درجه چهار و بالاتر است.

پ) جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور که مجازات قانونی آنها درجه پنج و بالاتر است.

ت) ایجاد مزاحمت و آزار و اذیت بانوان و اطفال و تظاهر، قدرت نمایی و ایجاد مزاحمت برای اشخاص که به وسیله چاقو یا هر نوع اسلحه انجام شود.

ث) سرقت، کلاهبرداری، ارتشاء، اختلاس، خیانت در امانت، جعل یا استفاده از سند مجعول در صورتی که مشمول بند ب این ماده نباشد و متهم دارای یک فقره سابقه محکومیت قطعی به علت ارتکاب هر یک از جرایم مذکور باشد.

تبصره - موارد بازداشت موقت الزامی موضوع قوانین خاص، به جز قوانین ناظر بر جرایم نیروهای مسلح از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون ملغی است.

بر این اساس، در آیین دادرسی کیفری جدید التصویب در شرایط مذکور در ماده ۲۳۷ که بیان شد و ماده ۲۳۸ که شرایط صدور قرار بازداشت را بیان کرده است بازپرس می‌تواند اقدام به صدور قرار بازداشت موقت نماید. در عین حال این اختیار تابع سایر ضوابط از جمله اصل تناسب تأمین است که در ماده ۲۵۰ همین قانون بدان اشاره شده است. ماده فوق بیان می‌دارد: «قرار تأمین و نظارت قضایی باید مستدل و موجه و با نوع و اهمیت جرم، شدت مجازات، ادله و اسباب اتهام، احتمال فرار یا

مخفی شدن متهم و از بین رفتن آثار جرم، سابقه متهم، وضعیت روحی و جسمی، سن، جنس، شخصیت و حیثیت او متناسب باشد.» (خالقی، ۱۳۹۲).

همچنین، در قانون آیین دادرسی مصوب ۱۳۹۲ با توجه به ماده ۲۵۰ این قانون در برخی جرایم و با اجتماع برخی شرایط مقام قضایی مکلف به اعمال این اختیار خود بوده و صدور قرار دیگری غیر از بازداشت موقت برای جلوگیری از متهم به دلیل عدم رعایت تناسب تأمین تخلف خواهد بود. مثلاً چنانچه شخصی متهم به قتل عمدی بوده (بند الف ماده ۲۳۷) پرونده او حکایت از وجود دلایل قوی علیه وی، مطالبه قصاص توسط اولیای دم، عدم حضور متهم در محل اقامت و دستگیری او توسط مأموران در هنگام خروج از کشور دارد، به گونه ای که بیم فرار او احتمالی معقول به شمار می رود (بند ب ماده ۲۳۸) بازپرس باید در مورد او قرار بازداشت موقت صادر نماید. در واقع در قلمرو صلاحیت مقامات رسمی از جمله مقامات قضایی که اصل بر عدم صلاحیت و عدم ولایت بر دیگران بوده و اختیارات آنها محدود به موارد مصرح قانونی است در صورت فراهم آمدن شرایط دخالت و اقدام مقام مزبور مکلف به این امر است. در این صورت اختیاری که از جانب قانونگذار به مقام مذکور اعطا شده باید اعمال گردد و در اینجا اختیار به معنای انتخاب نیست (همان)

با توجه به موارد مذکور بندهای «الف» و «پ» ماده ۲۳۸ قانون مذکور دارای اهمیت بسیاری است و قاضی در صدور قرار بازداشت موقت باید قیود ماده فوق را مد نظر قرار دهد. یکی از قیدهایی که قانونگذار در بند «الف» ماده مذکور آورده و با بحث حمایت از شهود مرتبط است، ذکر این موضوع است که اگر آزادی متهم باعث شود شهود از ادای شهادت خودداری نمایند، قاضی می تواند قرار بازداشت موقت متهم را صادر کند. در واقع ذکر این قید به معنای آن است که اگر متهم شاهد را تهدید کند که در صورت ادای شهادت آسیبی به او یا خانواده وی وارد می آید، قاضی بر طبق قانون باید اقدام به صدور قرار بازداشت موقت کند.

البته خطر اثرگذاری بر شهود و مطلعان وقتی می تواند مطرح شود که اقداماتی به طرق غیرمشروع (تهدید، تطمیع و...) معمول شود و یا احتمال آن وجود داشته باشد (آشوری، ۱۳۸۴) با وجود این که در این ماده قانون گذار به صراحت بیان نکرده است که شهود به دلیل تهدید متهم و ترس از آسیب رسانی او حاضر به ادای شهادت نشوند، اما مقصود قانونگذار از وضع این ماده همین بوده است.

صدور قرار بازداشت موقت در ماده ۵۸ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی تجویز گردیده است. در این ماده یکی از شرایط صدور این دستور ممانعت متهم از انجام تحقیقات و یا رسیدگی دادگاه و یا به خطر انداختن آنها در صورت آزادی می باشد. تهدید شهود و مطلعین واقعه یکی از مواردی است که تحقیقات درست را به مخاطره می اندازد، لذا این تدبیر حمایتی در این سند بین المللی مورد تأیید قرار گرفته است. در کنوانسیون جنایات سازمان یافته فراملی نیز اگرچه به صراحت از این شیوه حمایتی سخنی به میان نیامده است، اما از یک سو توجه به فحوی برخی مواد این کنوانسیون و از سوی دیگر مصداقی بودن راهکارهای حمایتی از شهود در این سند بین المللی بازداشت موقت متهم، می تواند به عنوان یک راهکار حمایتی مورد توجه قرار گیرد (میر محمد صادقی، ۱۳۸۳).

۲-۱-۲ اخذ وثیقه از متهم

قرار وثیقه نسبت به دیگر قرارهای سنتی جایگزین بازداشت موقت، شدیدتر و در عین حال، اطمینان بخش تر است. از این جهت که در سایر قرارهای سنتی، مالی در اختیار دادسرا قرار نمی گیرد اما در قرار وثیقه در زمان صدور قرار قبولی وثیقه مال در تصرف دادسرا قرار می گیرد. از این رو، در صورت معسر یا ورشکسته شدن وثیقه گذار بعد از قرار قبولی، وی از مسئولیت میرا نخواهد بود. مقام قضایی می تواند در راستای جلوگیری از فرار و در دسترس بودن متهم و علی الاصول در جرایم پراهمیت و نیز با توجه به ضرر و زیان شاکی از این قرار استفاده کند. قرار وثیقه در زمره متداول ترین قرارها در بسیاری از کشورهای

دنیاست و افکار عمومی دنیا، به واسطه تأثیر آن در وضعیت قضایی بزهکاران ثروتمند و به واقع، تأمین آزادی آنها چندان موافق این نوع قرار نیستند (آخوندی، ۱۳۷۴).

در هیچ یک از قوانین آیین دادرسی مصوب ۱۳۹۰ و ۱۳۷۸ ایران به ارائه تعریفی از وثیقه اشاره نشده و صرفاً به تشریفات و بعضاً مصادیق آن تصریح شده است. این قرار تقریباً شبیه کفالت است؛ با این تفاوت که شخص وثیقه گذار یا باید وجه نقد معادل قرار را به صندوق دادگستری بسپارد یا سند محل مسکونی یا تجاری را به قاضی معرفی کند تا وی دستور توقیف سند را به اداره ثبت مربوطه صادر کند. در ماهیت ضمان یا رهنی بودن قرار وثیقه به ذکر همین نکته بسنده می گردد که اصطلاح وثیقه در حقوق ایران در عقد رهن به کار می رود. لذا در تحلیل حقوقی، عمل فوق در قلمرو رهن قرار می گیرد (غلامحسینی، ۱۳۸۴).

به موجب ماده ۲۳۰ آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲: «متهمی که برای او قرار تأمین صادر و خود ملتزم شده یا وثیقه گذاشته است، در صورتی که حضورش لازم باشد احضار می شود و هرگاه ثابت شود بدون عذر موجه حاضر نشده است در صورت ابلاغ واقعی اخطاریه، وجه التزام تعیین شده به دستور دادستان اخذ و یا از وثیقه سپرده شده معادل وجه قرار ضبط می شود. چنانچه متهم، کفیل معرفی کرده یا شخص دیگری برای او وثیقه سپرده باشد، به کفیل یا وثیقه گذار اخطار می شود که ظرف یک ماه متهم را تحویل دهد. در صورت ابلاغ واقعی اخطاریه و عدم تحویل متهم، به دستور دادستان حسب مورد وجه الکفاله اخذ و یا از وثیقه معادل وجه قرار ضبط می شود. دستور دادستان پس از قطعیت، بدون صدور اجرایی در اجرای احکام کیفری و مطابق مقررات اجرای احکام مدنی اجرا می شود...»

اخذ وثیقه از متهم تا حدودی می تواند به طور ضمنی هدف حمایت از شهود را برآورده سازد. همانطور که ماده ۲۱۷ آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ اشعار می دارد: «به منظور دسترسی به متهم و حضور به موقع وی، جلوگیری از فرار یا مخفی شدن او و تضمین حقوق بزه دیده برای جبران ضرر و زیان وی، بازپرس پس از تفهیم اتهام و تحقیق لازم، در صورت وجود دلایل کافی یکی از قرارهای تأمین زیر را صادر می کند... خ - اخذ وثیقه اعم از وجه نقد، ضمانت نامه بانکی، مال منقول یا غیرمنقول...»

با توجه به مفاد ماده فوق، اینگونه برداشت می شود که قانونگذار از پیش بینی چنین قراری دو هدف را دنبال کرده است: نخست، دسترسی به متهم تا پایان دادرسی و تضمین اجرای حکمی که ممکن است در آینده علیه متهم صادر شود. دوم، جلوگیری از اختلال در روند رسیدگی کیفری (گلدوست جویباری، ۱۳۸۴).

تبانی متهم با دیگری یکی از مواردی است که می تواند در روند رسیدگی اختلال ایجاد کند. این تبانی ممکن است توسط متهم با شرکاء یا معاونان جرم به منظور انجام اعمال مختلفی صورت پذیرد که یکی از موارد آن را می توان تبانی بر تهدید و ترساندن شهود و جلوگیری از ادای شهادت آنان و یا اجبار آنان به ادای شهادت دروغ دانست؛ بنابراین به منظور حمایت از شهود، می توان از متهم وثیقه اخذ نمود و قاضی می تواند در ضمن صدور قرار قبولی کفالت یا وثیقه به متهم یادآور شود که از اقدام تهدیدآمیز یا انتقام آمیز علیه بزه دیدگان و شهود پرهیز نماید. (همان)

در ماده فوق تضمین حقوق بزه دیده به عنوان یکی از مواردی که می تواند منجر به صدور قرار وثیقه گردد نیز پیش بینی شده است. از یک سو بزه دیده ممکن است شاهد حادثه نیز باشد که در صورت عدم صدور قرار مناسب توسط متهم و تهدید بزه دیده توسط او حقوق وی تضییع گردد. از سوی دیگر فقدان قرار مناسب در مورد متهم ممکن است منجر به تهدید شهود حادثه و امتناع آنان از ادای شهادت گردد که در نهایت احقاق حق بزه دیده با مشکل مواجه می گردد. لذا توجه به این مشکلات قانونگذار را بر آن داشت تا به منظور تضمین حقوق بزه دیده قرارهای تأمین کیفری مناسب را پیش بینی نماید (باقری نژاد، ۱۳۸۷).

اخذ وثیقه از متهم در توصیه های کمیته سازمان ملل برای پیشگیری از جرم نیز مورد توجه قرار گرفته است که به موجب آن دادستان ها برای قبول کفالت یا وثیقه باید این شرط را قید نمایند که متهم، شاهد و بزه دیده را تهدید ننماید (همان).

۳- حمایت های غیرکیفری حمایت از شهود

حمایت از شهود در پرتو روش های غیرکیفری یا پیشگیرانه بیش از اقدامات کیفری مورد توجه تدوین کنندگان قوانین قرار گرفته است و تدابیر حمایتی غیرکیفری بیشتری به منظور حمایت از شهود پیش بینی شده است. در واقع این اقدامات مبتنی بر پیشگیری وضعی از جرم هستند. مرکز بین المللی پیشگیری از جرم در تعریفی، پیشگیری وضعی را بالا بردن تلاش لازم و خطر ارتکاب برای بزهکاران بالقوه از طریق اقداماتی نظیر سخت تر کردن هدف، کنترل دسترسی و نظارت برای بزهکاران و همچنین کاهش منافع حاصل از جرم معرفی کرده است. پیشگیری وضعی از جرم مجموعه تدابیری است که هدف غایی آنها منصرف یا ناتوان ساختن مقطعی بزهکاران مصمم از ارتکاب جرم است و از طریق برهم زدن موقعیت جرم صورت می گیرد (محمد نسل، ۱۳۸۷) این حمایت ها را در دو گفتار حمایت از فرایند دادرسی و جبران خسارات شاهد بررسی می کنیم.

۱-۳ حمایت از شاهد در فرایند دادرسی

اجرای برنامه های حمایتی از شهود در فرایند دادرسی اعم از جلسات رسیدگی و خارج از جلسات دادرسی بیش از سایر موارد نمود پیدا می کند. در این گفتار برنامه های حمایتی قانونگذار را در جلسات دادرسی و خارج از جلسات مورد بررسی قرار می دهیم.

۱-۱-۳ در جلسه دادرسی

حضور در جلسه دادرسی و ادای شهادت برای شاهد دارای خطراتی است که باعث می شود اغلب آنان از حضور و ادای شهادت امتناع کنند. تدابیر حمایتی مورد نظر قانونگذاران در قوانین داخلی و بین المللی باعث می شود که این خطرات کمتر شود و یا حتی در بسیاری موارد از بروز جرایم دیگری که می تواند در این راستا علیه شاهد ارتکاب یابد جلوگیری شود. در این بند این نوع تدابیر را بررسی می کنیم.

الف) غیرعلنی کردن جلسه دادرسی

اجرای عدالت و دادرسی منصفانه می طلبد تا جلسات دادگاه علنی برگزار شود. علنی بودن دادرسی یکی از مهم ترین وسیله هایی است که می تواند امنیت قضایی را تضمین نماید. در واقع، یکی از اصول راهبردی جلسه دادگاه علنی بودن آن است. منظور از علنی بودن دادرسی این است که افراد جامعه بتوانند آزادانه در جلسات دادگاه حاضر شوند و چگونگی روند رسیدگی را از نزدیک ببینند. علنی بودن دادرسی باعث می شود مردم به اجرای دقیق، بی نظیر بودن دادرسان و وجود عدالت قضایی واقعی اطمینان خاطر پیدا کنند. در این صورت است که مطبوعات و رسانه های گروهی می توانند افراد جامعه را از روند رسیدگی آگاه ساخته تا مردم عملکرد دادگستری را مورد سنجش و ارزیابی قرار دهند. اهمیت برگزاری جلسه دادرسی به صورت علنی در حدی است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ۱۶۵ بیان گردیده است: «محاکمات، علنی انجام می شود و حضور افراد بلامانع است...» که این موضوع در ماده ۳۵۲ آیین دادرسی کیفری نیز مورد تأکید قرار گرفته است (باقری نژاد، ۱۳۸۷).

با این وجود، در برخی موارد ضرورت دارد تا جلسه دادگاه به صورت غیرعلنی برگزار شود. در واقع، غیرعلنی بودن رسیدگی، استثنایی بر اصل علنی بودن است. در ماده ۳۵۲ آ.د.ک پس از بیان علنی بودن رسیدگی اظهار می دارد: مگر در جایم قابل گذشت که طرفین یا شاکی غیرعلنی بودن محاکمه را درخواست کنند همچنین دادگاه پس از اظهار عقیده دادستان قرار

غیرعلنی بودن محاکم را در موارد زیر صادر می کند: الف) امور خانوادگی و جرایمی که منافی عفت یا خلاف اخلاق حسنه است. ب) علنی بودن، مخل امنیت عمومی یا احساسات مذهبی و یا قومی باشد...

این بدان معناست که اگرچه در این قانون اصل بر علنی بودن رسیدگی است، اما قانونگذار مجموعه ای از استثنائات را هم پیش بین کرده است که در این حالت دادگاه به صورت علنی برگزار می شود. از آنجا که در بسیاری از پرونده ها جرایم جنسی یا جرایم دیگر، بزه دیده خود تنها شاهد جرم است، غیرعلنی بودن جلسه دادرسی می تواند یکی از ابعاد حمایتی از شهود و متهم باشد. شاید بتوان گفت، از آنجا که شاهد به عنوان شخص ثالث در جلسه دادرسی حضور می یابد و هدف او کمک به احقاق حق و اجرای عدالت و دادگستری است در صورتی که کرامت انسانی و منافع او به عنوان شخص ثالث در معرض تهدید قرار گیرد، دادگاه بتواند جلسه دادرسی را به صورت غیرعلنی برگزار نماید. همچنین ماده ۲۰۶ آ.دک بیان می دارد: «تحقیق و بازجویی از شهود و مطلعان قبل از رسیدگی در دادگاه، غیرعلنی است». درواقع، غیرعلنی بودن تحقیق از شهود و مطلعان از ویژگی های تفتیشی بودن تحقیقات مقدماتی است که اقتضاء دارد تحقیقات به صورت غیرعلنی برگزار شود (خالقی، ۱۳۸۹).

ناگفته نماند که در غیرعلنی بودن رسیدگی اهداف دیگری نیز به شرح زیر مدنظر بوده است: ۱- تسهیل رسیدگی و جلوگیری از فشار افکار عمومی و اشخاص ذی نفوذ بر قاضی تحقیق. ۲- حمایت از متهم تا در معرض تهمت های ناروایی که قرار منع تعقیب همیشه قادر به زدودن آن نیست، قرار نگیرد.

۳- سرانجام حمایت از جامعه در مقابل آن گروه از ارباب مطبوعات که درصدد کسب اخبار جنایی برای جلب خوانندگان بیشتری هستند.

به نظر مخالفان غیرعلنی بودن جلسه دادرسی، برگزاری جلسه دادگاه به صورت غیرعلنی، در برخی موارد حق مواجهه شاهد با متهم را از بین برده و منافی حقوق متهم است. در پاسخ باید گفت آنچه که در راستای حفظ حقوق دفاعی متهم اهمیت دارد این است که متهم از اظهارات شاهد آگاه است و لزوماً نباید خود سخنان شاهد را استماع کند. مفاد اظهارات شاهد می تواند توسط قاضی و یا وکیل مدافع متهم به اطلاع او برسد. حمایت از حقوق بزه دیدگان و منافع جامعه می طلبد تا در صورت لزوم در شیوه تحصیل شهادت در جلسه دادرسی تغییراتی به وجود آید. (باقری نژاد، همان).

ب) ایجاد مانع بین شاهد و متهم

یکی دیگر از راهکارهای حمایتی از شهود در جلسه دادرسی به وسیله تغییر شیوه تحصیل شهادت، ایجاد یک مانع بین شاهد و متهم است. در این شیوه حمایتی مانعی همچون یک پرده یا دیوار بین متهم و اعضای جامعه از یک سو و شاهد از سوی دیگر ایجاد می شود. این تدبیر حمایتی در صورتی می تواند مورد استفاده واقع گردد که متهم صدای شاهد را نمی شناسد و با قرار دادن پرده بین او و شاهد متهم چهره شاهد را نمی بیند و چون صدای او را هم نمی شناسد احتمال وقوع خطر و تهدید نسبت به آسایش و امنیت شاهد و خانواده اش تا حد زیادی پایین می آید. در واقع می توان گفت استفاده از این شیوه حمایتی دو مزیت دارد: نخست، متهم و جامعه شاهد را نمی بینند و حمایت از او به نحو مؤثری صورت می گیرد. دوم، اگر شاهد از حضور در انظار عمومی و صحبت کردن در این حالت بترسد با اتخاذ این تدبیر حمایتی دیگر دچار واگم نمی گردد. با وجود اینکه این تدبیر حمایتی از شهود می تواند در عمل بسیار مفید و مؤثر واقع گردد، اما نه در قانون آیین دادرسی ایران و نه در اسناد و کنوانسیون های بین المللی به صراحت سخنی از این شیوه حمایتی به میان نیامده است. با این وجود از آنجا که مصادیق حمایت از شهود در برخی اسناد از جمله ماده ۲۴ کنوانسیون مبارزه با جنایات سازمان یافته فراملی به صورت تمثیلی بیان شده است می توان از این شیوه در موارد ضروری استفاده نمود، اما همچنان باید توجه داشت که حقوق متهم در معرض خطر قرار نگیرد (مهدوی پور، ۱۳۹۰).

ج) تغییر هویت و اقامتگاه شاهد

شناخت هویت یا اقامتگاه شهود، در برخی جرایم ممکن است تمامیت جسمانی شهود را در معرض مخاطره قرار دهد. در این صورت باید به شاهد اجازه داده شود بدون اینکه هویت و یا اقامتگاه او برای متهم آشکار شود به ادای شهادت بپردازد و اگر با این اقدام موافقت گردید هویت یا اقامتگاه شاهد به صورت محرمانه باقی مانده و در صورت افشای آن، مرتکب مجازات شود. در غیر این صورت، امنیت شهود تضمین نگردیده و شهود از ادای شهادت خودداری می ورزند. ماده ۲۱۴.د.ک مقرر داشته است: «هرگاه بیم خطر جانی یا حیثیتی و یا ضرر مالی نسبت به شاهد یا مطلع و یا خانواده آنها وجود داشته باشد اما استماع اظهارات آنها ضروری باشد بازپرس به منظور حمایت از شاهد یا مطلع و با ذکر علت در پرونده تدابیر زیر را اتخاذ می کند: ... (ب) عدم افشای اطلاعات مربوط به هویت، مشخصات خانوادگی و محل سکونت یا فعالیت شاهد یا مطلع...» توجه به مفاد این ماده نشان می دهد که تدوین کنندگان قانون جدید به منظور حمایت از شاهد، عدم افشای هویت و یا اقامتگاه شاهد را پیش بینی کرده اند تا علت اتخاذ چنین تدبیری را در پرونده ذکر نموده و تنها زمانی به این تدابیر روی آورد که استماع اظهارات شاهد ضروری باشد. پیش بینی چنین موضوعی می تواند از اخذ این رویکرد حمایتی بدون دلیل که منجر به نقض حقوق دفاعی متهم می شود جلوگیری کند (باقری نژاد، ۱۳۸۵).

به بیان دیگر، اگرچه در موارد استثنایی، آوازه و شهرت بین المللی شاهد با تلاشی که رسانه ها انجام می دهند نوعی حمایت از وی محسوب می گردد، اما اکثر محققان بین المللی بر این اعتقادند که بهترین راه حمایت از شهود، سری بودن تحقیق و عدم افشای هویت آنهاست. حضور در مراجع قضایی در زمان ادای شهادت، بهترین فرصت برای گروه بزهکار می باشد که با شناسایی شاهد و اطلاع از هویت وی در مقام انتقام از وی برآید. عدم افشای هویت شاهد علاوه بر آنکه نیاز به امکانات گسترده نداشته، هزینه بسیار کمی را نیز بر دستگاههای حمایتی - حفاظتی تحمیل می نماید. جهت تحقق این هدف، می توان جلسات دادرسی را در صورت حصول شرایط دیگر، به صوت غیرعلنی برگزار نمود. با این روش هویت شاهد فقط برای متهم نمایان شده و عموم افراد جامعه و گروه بزهکار از آن بی اطلاع خواهند بود. حتی جهت اطلاع نیافتن متهم از هویت شاهد، می توان در هنگام ادای شهادت متهم را از دادگاه خارج نمود و پس از ادای شهادت و خروج شاهد از دادگاه، مجدداً متهم را وارد جلسه رسیدگی نمود. استماع اظهارات شهود قبل از محاکمه به جای ادای شهادت در زمان محاکمه از دیگر اقدامات در جهت ناشناس ماندن هویت شهود می باشد.

استفاده از نام مستعار در شهادت نامه، ادای شهادت بدون ذکر نام، ادای شهادت از پشت پرده و یا حفاظ در جلسه دادگاه به نحوی که چهره شاهد قابل شناسایی توسط متهمین نباشد، ادای شهادت از طریق تلویزیون مدار بسته و ویدئو کنفرانس نیز می تواند اقداماتی در راستای مخفی ماندن هویت شهود به شمار آید. علاوه بر آن می توان با استفاده از تجهیزات الکترونیکی از فنون تغییر چهره یا تغییر صدا در مورد شهودی که از طریق ویدئوکنفرانس به ادای شهادت می پردازند استفاده نمود؛ اما در هر صورت، باید توجه داشت که اگر متهم شاهد را می شناسد استفاده از وسایل مذکور ارزش زیادی نخواهد داشت؛ چراکه متهم قادر خواهد بود از محتوای شهادت نامه، شاهد را شناسایی کرده و آن را در اختیار گروه خود قرار دهد (موزن زادگان، ۱۳۸۸).

سوالی که در اینجا متبادر به ذهن می گردد این است که ممکن است اجرای برخی از این برنامه ها خدشه ای اساسی به حقوق متهمین وارد نماید؛ برای نمونه حق جرح شاهد توسط متهم که در آیین دادرسی کیفری مورد اشاره قرار گرفته است و یا حق پرسش از شاهد توسط متهم که از جمله حقوق بنیادین متهم می باشد، با عدم شناسایی هویت شاهد توسط متهم و عدم مواجهه آن دو با یکدیگر ساقط خواهد شد. در راستای حل اینگونه مشکلات و در اجرا می توان با تکنیکهای خاص به گونه ای عمل نمود که خدشه قابل توجهی به حقوق مزبور وارد نشود. در مواردی که متهم برای ادای شهادت توسط شاهد از جلسه دادگاه خارج می گردد، می توان حق پرسش از شهود را با قرائت شهادت نامه برای متهم و طرح سوالات وی از شاهد در جلسه

ای که متهم حضور ندارد حفظ نمود و یا در روش ادای شهادت از طریق ویدئوکنفرانس و یا از پشت پرده این حق به خوبی حفظ می‌گردد. در مورد حق جرح شاهد توسط متهم در حقوق ایران که با اقتباس از حقوق اسلامی مطرح شده است در استفتائی که به همین منظور از فقیه معاصر آیت الله نوری همدانی در تاریخ ۱۳۸۸/۱۲/۱ به عمل آمد امکان استناد به چنین شهادتی در صورت اسقاط حق جرح توسط متهم و با لحاظ شرایط لازم برای شاهد وجود دارد. در پاسخ استفتاء از آیت الله علوی گرگانی در تاریخ ۱۳۸۸/۱۲/۱۲ گفته اند: «در مواردی که خطر جانی یا امثال آن شاهد را تهدید نموده باشد و فرد شاهد نیز در نظر قاضی عادل باشد، حکم بر سقوط حق جرح متهم امکان پذیر است.» باید در نظر داشت که با توجه به قاعده «الضرورات تبیح المحظورات» و لزوم احقاق حق در جامعه مسلمین، سقوط حق جرح توسط طرفین دعوای کیفری دور از ذهن نمی‌باشد. به علاوه، دادرس می‌تواند قبل از استماع شهادت، تحقیقات کاملی را در جهت احراز شرایط لازم در شاهد به عمل آورده و حق جرح با انجام آن تحقیقات، تا حدود قابل توجهی مورد عنایت قرار می‌گیرد (مودن زادگان، ۱۳۸۸).

همچنین، یکی دیگر از بهترین و مفیدترین راههای حمایت از شهود نقل مکان شاهد است. این روش، غالباً زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که سایر روش‌های حمایت از شهود قابلیت اجرا نداشته و متهم، محل زندگی شاهد را می‌شناسد. از آنجا که اعمال این روش حمایتی از شهود مستلزم ارائه خدماتی مثل تهیه مسکن مناسب جدید به همراه وسایل زندگی، تهیه شغل برای شاهد و... می‌باشد و هزینه بردار است، اجرای آن نیاز به بررسی موضوعاتی مثل امکان تأمین شهادت و جمع‌آوری ادله از سایر منابع، نیاز شخص به حمایت، اهمیت نسبی شهادت شخص و نتایج معاینات روان‌شناختی می‌باشد تا در صورت ضرورت این اقدام حمایتی در مورد شاهد و خانواده اش اعمال شود. تغییر اقامتگاه شاهد به سه صورت امکان پذیر است:

نخست، جابه‌جایی فوری شاهد؛ این روش در زمان‌های اضطراری یعنی زمان‌هایی که متهم، شاهد را می‌شناسد و امکان اعمال هیچ نوع حمایتی از شاهد وجود نداشته و در عین حال، متهم شاهد را تهدید نیز نموده است یا احتمال تهدید شاهد از سوی متهم بسیار بالا است اجرا می‌شود. در این صورت، شاهد به یک مکان امن موقت مثل هتل انتقال داده می‌شود و پذیرش شاهد با نام مستعار صورت گرفته و هزینه‌های اقامت او در هتل توسط دادگستری پرداخت می‌گردد. این نوع تغییر شاهد غالباً چند روز بیشتر به طول نمی‌انجامد. دوم، جابه‌جایی موقت شاهد؛ این نوع تغییر مکان شاهد به صورت موقتی است و شاهد در زمان محاکمه و در برخی موارد قبل از آن، به مکان امنی منتقل می‌گردد و پس از پایان محاکمه شاهد به اقامتگاه اولیه خود باز می‌گردد. سوم، جابه‌جایی دائمی شاهد؛ در این حال، شاهد برای همیشه اقامتگاه جدیدی را به عنوان منزل خود بر می‌گزیند. این نوع تغییر اقامتگاه هم در داخل کشور و هم به خارج از کشور صورت می‌گیرد (مه‌دوی پور، ۱۳۸۸).

انتخاب هر یک از این روش‌ها، به موقعیت و زمان تهدید و هزینه‌های لازم برای این جابه‌جایی‌ها بستگی دارد. در صورتی که تهدیدهای شدیدی علیه تمامیت جسمانی شاهد و خانواده شاهد صورت گیرد و یا در جرایم سازمان یافته تهدید توسط گروه سازمان یافته‌ای که یکی از اعضای آن دستگیر شده است، انجام پذیرد، نقل مکان شاهد ضرورت داشته و در حین جابه‌جایی و در برخی موارد حتی در زمانی که شاهد جابه‌جا نیز شده است، امنیت او و خانواده اش باید تأمین گردد. این شیوه حمایتی در قانون آیین دادرسی کیفری جدید در تبصره ۱ ماده ۲۱۴ مورد اشاره قرار گرفته است: «در صورت شناسایی شاهد یا مطلع حسب مورد توسط متهم یا متهمان یا شاکی و با وجود قرائن یا شواهد ... تدابیر لازم را از قبیل آموزش برای حفاظت از سلامت جسمی و روحی یا تغییر مکان آنان اتخاذ می‌کند...».

۲-۱-۳ حمایت از شاهد خارج از جلسه دادرسی

اتخاذ این روش نیز مبتنی بر روش‌های پیشگیری وضعی از جرم است و از آنجا که یکی از وظایف پلیس، پیشگیری از وقوع جرم است به همین علت نقش پلیس در حمایت از کودک شاهد جرم در خارج از جلسه دادگاه همانند جلسه دادرسی ضرورت دارد. استفاده از این شیوه حمایتی در قانون آیین دادرسی قدیم پیش‌بینی نشده بود، اما در قانون آیین دادرسی کیفری

جدیدالتصویب این موضوع مورد توجه قرار گرفته و در تبصره ۱ ماده ۲۱۴ بیان نموده است: «بازپرس در صورت شناسایی شاهد یا مطلع توسط متهم یا متهمان و یا وجود قراین و شواهد مبنی بر احتمال شناسایی و وجود بیم خطر برای آنها، به درخواست شاهد یا مطلع تدابیر لازم را از قبیل آموزش برای حفاظت جسمی و روحی آنها... اتخاذ می کند.» در این ماده تدوین کنندگان، علاوه بر شاهد به مطلع هم توجه نموده اند، لذا افرادی که بر اساس حقوق ایران در صورت ادای شهادت مطلع محسوب می شوند مشمول ماده هستند و از سوی دیگر تدوین کنندگان قانون جدید آیین دادرسی کیفری درصدد بوده اند با دادن اختیار به بازپرس حفاظت جسمی و روحی شاهد از هر طریقی برقرار شود و به همین علت از واژه «از قبیل» استفاده نموده اند. به طور قطع و یقین می توان گفت که یکی از مهمترین شیوه های حفاظت از شاهد حفاظت از طریق نیروی پلیس است. پس بر اساس این ماده حفاظت پلیس از شاهد جرم بر اساس قانون امکان پذیر می شود.

موضوع حفاظت از شهود در خارج از جلسه دادرسی مورد توجه اسناد بین المللی نیز قرار گرفته است. به عنوان نمونه در اساسنامه دادگاه یوگسلاوی سابق و رواندا به منظور حفظ امنیت جسمانی شهود بخش حمایت از شهود و بزه دیدگان مکلف شده است تا به این منظور گواهان را از اقامتگاه آنان به مقر دادگاه به صورت امن منتقل سازد. یا در بند ۲ ماده ۲۴ کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه جنایات سازمان یافته فراملی، به عنوان یکی از تدابیر حمایت از شهود وضع آیین نامه های اجرایی برای حفاظت جسمانی از شهود را پیش بینی کرده است (کاظمی، ۱۳۸۹).

الف) شیوه تحصیل شهادت شاهد

در برخی موارد حفظ امنیت شهود می طلبد تا شهادت شاهد در خارج از جلسه دادرسی استماع گردد. این شیوه حمایتی که بیشتر به منظور جلوگیری از مواجهه شهود با متهم اتخاذ می گردد، به طرق مختلفی انجام می پذیرد، از جمله استفاده از وسایل ارتباط از راه دور، شهادت در اتاق قاضی بدون حضور متهم و حضور قاضی در محل اقامت شاهد.

۱- شهادت از طریق وسایل ارتباط از راه دور

هدف اصلی از اتخاذ این شیوه حمایتی، جلوگیری از اضطراب شهادی است که در صورت مواجهه با متهم از ادای شهادت خودداری می ورزد. این شیوه حمایتی شامل تدابیر زیر است؛

نخست؛ شهادت از طریق تلویزیون های مدار بسته؛ در این شیوه شاهد در اتاقی غیر از اتاقی که متهم حضور دارد، ادای شهادت می نماید در حالی که متهم از طریق تلویزیونی که در اتاق محل حضور او وجود دارد شاهد را ملاحظه می کند. این شیوه حمایتی به منظور جلوگیری از ترس شاهد اتخاذ گردیده و باعث می شود شاهد مطالب خود را راحت تر بیان کند.

دوم؛ شهادت از طریق ارتباطات ویدئویی؛ در این حالت شهادت شاهد از طریق ارتباط ویدئویی اخذ می گردد. بدین معنا که یا شهادت شاهد از قبل ضبط می گردد و سپس برای متهم پخش می شود و یا اینکه ممکن است ارتباط ویدئویی به صورت زنده باشد. به نظر می رسد که برای جلوگیری از نفی حقوق متهم در صورتی که وی بخواهد از شاهد سوالاتی را بپرسد باید از شیوه دوم استفاده نمود. در این شیوه حمایتی برخلاف شیوه قبل، شاهد هم همانند متهم جلسه دادگاه را مشاهده می نماید.

سوم؛ شهادت از طریق پست الکترونیکی یا نامه؛ از این شیوه که به ندرت استفاده می گردد، شاهد مفاد اظهارات خود را از طریق پست الکترونیک یا پست عادی به آدرس پست الکترونیک یا آدرس دادگاه می فرستد. از آنجا که این شیوه ادای شهادت از نظر مالی هزینه بسیار کمی را به شاهد تحمیل می کند و همچنین در این صورت نیازی به اتخاذ تدابیر حمایتی دیگر که در برخی موارد بسیار پرهزینه نیز می باشند، نیست. استفاده از این شیوه می تواند بسیار مفید واقع گردد. مخالفان اینگونه شیوه های حمایتی دو ایراد را به استفاده از این تدابیر وارد می کنند: نخست، چون در این شیوه ها شهود در هنگام ادای شهادت

مورد ارزیابی قرار نمی گیرند، قضات قادر نیستند شهادت آنان را به درستی مورد سنجش قرار دهند؛ زیرا سرخی چهره، لکنت زبان، زیر و بم شدن صدا از طریق این وسایل قابل انتقال نیست.

دوم؛ چون شاهد در مکانی غیر از جلسه دادگاه ادای شهادت می نماید، تحت تأثیر فضای دادگاه قرار نگرفته به راحتی به شهادت دروغ متوسل می شود. در پاسخ به این ایرادات باید گفت که این در زمانی که شهود در جلسه دادگاه به طور مستقیم نیز ادای شهادت می نمایند، وارد است؛ زیرا ممکن است شهادی در اثر ترس، دچار سرخی چهره، لکنت زبان و... گردد و همچنین، شهادی بدون اینکه تحت تأثیر فضای دادگاه قرار گیرد، به شهادت دروغ متوسل گردد، ایرادات مذکور وارد نمی باشد. قانون جدید آیین دادرسی کیفری جدید، این تدابیر را مد نظر قرار داده است. در تبصره ۲ ماده ۲۰۴ آمده است: «در صورتی که دلیل پرونده منحصر به شهادت شهود و مطلعان نباشد، تحقیق از آنان می تواند به صورت الکترونیکی و با رعایت مقررات راجع به دادرسی الکترونیکی به عمل آید.» در این ماده، اگرچه قانونگذار استفاده از وسایل ارتباط از راه دور را تجویز نموده است اما به حقوق دفاعی متهم نیز توجه نموده و استفاده از این وسایل را زمانی مجاز دانسته است که شهادت تنها دلیل پرونده نباشد تا متهم تنها به دلیل عدم شناخت شاهد و ناتوانی در جرح او محکوم نگردد. همچنین در بند پ ماده ۲۱۴ آمده است: «استماع اظهارات شاهد یا مطلع در خارج از دادسرا با وسایل ارتباط از راه دور» تعذر حضور شاهد در دادگاه ممکن است به دلایل مختلفی از جمله ترس شاهد از متهم باشد. به همین علت این تدبیر حمایتی در اینجا به صورت ضمنی پیش بینی شده است. در واقع، در این ماده، قانونگذار بازپرس را مکلف نموده است که برای استفاده از وسایل ارتباط از راه دور به منظور استماع شهود، علت این امر را ذکر نماید. یکی از مهمترین دلایل بازپرس در استفاده از وسایل مذکور می تواند حمایت از شهادی باشد که در صورت شناخته شدن توسط متهم تمامیت جسمانی و یا اموال او در معرض مخاطره قرار می گیرد. دلیل دیگر نیز می تواند توجه به حقوق دفاعی متهم باشد تا بازپرس بدون علت موجه قادر به اتخاذ این روش حمایتی نباشد (باقری نژاد، ۱۳۸۸).

در ماده ۲۴ کنوانسیون مبارزه با جنایات سازمان یافته فراملی نیز در بند «ب» به منظور حمایت از شهود مقرر گردیده: «تدوین مقرراتی که امکان ادای شهادت به شیوه ای که ایمنی شهود تضمین گردد فراهم شود، مثلاً اجازه ادای شهادت با استفاده از فن آوری ارتباطات مثل ارتباطات ویدئویی و یا دیگر وسایل مناسب از آن جمله اند.» (آخوندی، ۱۳۷۵).

۲- شهادت در اتاق قاضی بدون حضور متهم

یکی دیگر از شیوه های تحصیل شهادت در خارج از جلسه دادرسی، اخذ شهادت شاهد در اتاق قاضی است تا بدین وسیله از مواجهه شاهد با متهم جلوگیری به عمل آید. از سوی دیگر، قاضی ممکن است در پرونده ای به این نتیجه برسد که امنیت عمومی در این است که عموم مردم متوجه اظهارات شاهد نشوند و به همین دلیل شهادت شاهد را در اتاق خود استماع نماید و در صورتی که افشاء تمام اظهارات شاهد برای او خطرناک باشد تنها خلاصه ای از اظهارات او را به اطلاع متهم برساند.

در ماده ۲۰۷ آ.د. ک آمده است: «بازپرس از هر یک از شهود و مطلعان جداگانه و بدون حضور متهم تحقیق می کند...» علاوه بر آن در ماده ۳۲۷ همین قانون آمده است: «دادگاه می تواند از شهود به طور انفرادی تحقیق نماید و برای عدم ارتباط شهود با یکدیگر و یا با متهم اقدام لازم را انجام دهد...» این موضوع که مورد توجه تدوین کنندگان قانون آیین دادرسی کیفری جدید واقع شده است، در واقع به منظور جلوگیری از ارتباط و تبانی گواهان با یکدیگر و یا با متهم و یا شاکمی می باشد (همان)؛ اما همچنین می توان گفت که یکی از اهداف قانونگذار پیش بینی این مواد حمایت از شهودی بوده که در صورت مواجهه با متهم از ادای شهادت خودداری می نمایند؛ بنابراین، قانونگذار با وضع این مواد به حمایت از شهود در برابر تهدیدات متهم اشاره داشته و درصدد پیشگیری از آن بوده است.

تحصیل شهادت در اتاق قاضی مورد توجه تدوین کنندگان اسناد بین المللی نیز واقع گردیده است. در ماده ۷۵-۲ مقررات دادرسی و ادله دیوان یوگسلاوی سابق و رواندا در ارتباط با حمایت از شهود آمده است: «دادگاه ممکن است مقرر دارد که رسیدگی در اتاق خصوصی خودش انجام گیرد...» همچنین، در ماده ۳-۸۷ قواعد دادرسی و ادله دیوان کیفری بین المللی مقرر گردیده: «دادگاه بدوی ممکن است در مورد درخواستی که دریافت می دارد دستور دهد که جلسه رسیدگی در اتاق خصوصی قاضی انجام شود...» (همان).

۳- حضور قاضی در محل اقامت شاهد

یکی دیگر از شیوه های تحصیل شهادت به منظور حمایت از شهود این است که قاضی خود به اقامتگاه شهود رفته و اظهارات آنها را در آنجا استماع نماید. در ماده ۳۲۱ آ.د.ک مقرر گردیده است: «هرگاه به علت بیماری که برای مدت طولانی یا نامعلوم غیر قابل رفع است، حضور شاهد یا مطلع در جلسه دادگاه مقدور نباشد رئیس دادگاه یا یکی دیگر از قضات عضو شعبه، باحضور نزد شاهد و یا مطلع، اظهارات وی را استماع می کند». علت اتخاذ چنین تدبیری توسط قانونگذار در ابتدا این بوده است که اگر شهود نتوانند در دادگستری به منظور ادای شهادت حاضر شوند به طریق دیگری شهادت آنان اتخاذ گردد. همچنین از دیگر علل اتخاذ این رویکرد، حمایت از شهود می تواند باشد، زیرا از یک سو دیگر شهود مجبور نیستند که در دادگستری مقابل متهم و از روی ترس و دلهره ادای شهادت نمایند و از سوی دیگر، برای ادای شهادت و رفتن به دادگستری متحمل هزینه ای نگردیده و مجبور نمی شوند تا یک روز کاری خود را تعطیل نمایند (باقری نژاد، ۱۳۸۹).

همچنین ماده ۲۱۶ همین قانون اشعار می دارد: «در صورتی که شاهد یا مطلع به عللی از قبیل بیماری و یا کهولت سن نتواند حاضر شود و یا تعداد شهود یا مطلعان زیاد و در یک یا چند محل باشند و همچنین هرگاه اهمیت و فوریت امر اقتضاء کند، بازپرس در محل حضور می یابد و مبادرت به تحقیق می کند.»

با توجه به اینکه این تدبیر حمایتی بسیار مفید و مؤثر بوده و ضرورت استفاده از آن به ویژه در جرایم بین المللی وجود دارد، اما در اسناد بین المللی به صراحت این روش حمایتی ذکر نگردیده است. با وجود این در صورت ضرورت می توان در جرایم بین المللی نیز از این اقدام حمایتی مؤثر استفاده نمود.

ب) حمایت های امنیتی

همانگونه که گفتیم، امکان دارد شهود همواره در معرض تهدیدات شفاهی، ارباب، حمله به قصد آزار بدنی، تخریب اموال شخصی و سایر خطرات جسمی و روانی به خاطر همکاری با پلیس و دستگاه قضایی قرار گیرند. به منظور تأمین امنیت شهود، دستگاههای پلیسی تحت نظر مقامات قضایی یک سری اقدامات انجام می دهند. حفاظت از نزدیک از جمله آن اقدامات می باشد. در این روش با توجه به اهمیت جرم، گشت های منظم پلیسی پیرامون منزل شاهد برقرار می گردد. این گشت ها امکان دارد به صورت کاملاً مشخص و نمایان یا به صورت کاملاً پنهانی و با لباس مبدل صورت گیرد. نکته ای که باید به آن توجه داشت این است که تماس های پلیسی مشخص باید به حداقل برسد؛ چرا که این امر علاوه بر برانگیختن حس کنجکاری دیگران باعث نمایان شدن هر چه بیشتر شاهد در میان عموم می گردد.

کنترل ورودی ها و تماس های تلفنی به منزل شاهد، با رضایت وی، از جمله دیگر اقدامات می باشد. چراکه محموله های پستی و تماس های تلفنی، الکترونیکی و اینترنتی از جمله آسان ترین راهها جهت تهدید شهود می باشد. در این میان امکان دارد تجهیزات تماس سریع نیز در اختیار شاهد قرار داده شود تا در صورت احساس کوچکترین خطر، نیروهای پلیسی را در جریان قرار دهد. جهت برقراری امنیت هر چه بیشتر شاهد، باید امنیت محل زندگی وی را نیز افزایش داد. نصب دربهای ایمنی مستحکم، نرده، آژیر و یا تخصیص شماره تلفن های محرمانه و یا حداقل تغییر شماره تلفن فرد، نصب امکانات الکترونیکی

هشداردهنده یا استفاده از تلفن های همراه با شماره های اضطراری می تواند اقدام مؤثری در این زمینه به شمار آید. تغییر محل سکونت شاهد به صورت دائم یا موقت و به صورت اسکان در منزل یکی از خویشاوندان، اسکان در نزدیکی مراکز پلیس و یا اسکان در منزل جدید و در شهر دیگر، به گونه ای که نیروهای پلیس به راحتی با فرد در تماس باشند، می تواند شاهد را تا حدودی از تعرضات مصون بدارد (همان). امکان دارد در راستای حفظ امنیت شاهد، نهادی که متصدی حمایت از همکاران با دستگاه عدالت کیفری است نظر بر تغییر شغل و در اختیار قرار دادن شغل جدید برای شاهد داشته باشد تا از این طریق گروه بزهکار نتواند به ردیابی فرد حتی از طریق کوچکترین نشانه و سرخ بپردازد. در رویه کشورها برای عملی شدن این امر، به طور معمول، شغل پایین تری در اختیار فرد قرار داده می شود و ضرر و زیان ناشی از تغییر شغل توسط نهاد زیر نظر داستان جبران می گردد. راههای دیگری نیز توسط صاحب نظران ارائه گردیده است که البته تاکنون اجرای آن در جامعه بین الملل بی سابقه بوده است. از جمله این روش ها، امکان تغییر هویت است. تغییر هویت به این مفهوم که فرد هویت جدیدی برای خود برمی گزیند و هویت سابق به هویت جدید به گونه ای انتقال می یابد که قابل پیگیری برای همگان نباشد. با برگزیدن هویت جدید، شغل و محل سکونت وی نیز به گونه ای تغییر داده می شود تا از گزند آسیب های احتمالی در امان باشد. موارد مذکور، از جمله راههایی می باشند که امری بسیار معمول در جهت حمایت از شهود و ترغیب آنها برای همکاری با دستگاه قضایی در کشورهای مختلف به شمار می آیند. اگرچه در بدو امر، ورود این نوع حمایت ها در حقوق ایران امری عجیب به نظر برسد، اما قانونگذار در تدوین قانون آیین دادرسی کیفری جدید نیاز به حمایت از شهود را به خوبی احساس کرده و در این زمینه اقدامات حمایتی پیش بینی نموده است.

۲-۳ حمایت های مالی شاهد

در جوامع کنونی اشخاص برای گذران معیشت مجبور به انجام کار هستند و تلاش آنها نیز در این است که به منافع اقتصادی بیشتری دست یابند. غالباً سعی می کنند از انجام هر کاری که مانع به دست آوردن درآمد گردد پرهیز نمایند و همیشه در نگهداری اموال و دارایی های خود از تدابیر مختلفی استفاده می کنند. در این راستا، اگر شاهد به منظور ادای شهادت مجبور شود کار خود را تعطیل نماید و متهم نیز او را تهدید به از بین بردن اموال نماید، امکان اینکه شاهد از ادای شهادت امتناع ورزد، بسیار زیاد است. اگرچه برخی افراد بدون توجه به مال و ثروت و صرفاً در پاسخ به ندای وجدان خود مبنی بر کمک به اجرای عدالت حاضر به ادای شهادت می شوند اما تشویق شهود به انجام این کار می طلبد تا در صورت ضرورت از آنها حمایت های مالی نیز صورت گیرد. در اینجا ابتدا حمایت از اموال شاهد و سپس پرداخت خسارت به شاهد در صورت ادعای ضرر و زیان مورد بررسی قرار می گیرد.

۱-۲-۳ حمایت از اموال شاهد

امروزه مفهوم مالکیت خصوصی یکی از پایه های اساسی جامعه را تشکیل می دهد و لازمه حقوق و آزادی های مدنی اشخاص محسوب می شود. تردیدی وجود ندارد که مفهوم مال و مالکیت از تأسیسات اصلی جامعه و حمایت از آنها از اهداف مهم دولت ها به شمار می رود. به همین علت همان گونه که آزادی های فیزیکی افراد مثل تعیین نوع شغل یا محل اقامت مورد حمایت است حقوق و منافع مالی افراد نیز باید مورد حمایت قرار گیرد؛ بنابراین، تهدید به اموال شخص را می توان همانند تهدید به جان آنها تشبیه نمود، زیرا در هر موردی حریم وی مورد تجاوز قرار گرفته است (میر محمد صادقی، ۱۳۸۲). لذا تهدید شهود به از بین بردن اموال آنها به دلیل ادای شهادت و کمک به اجرای عدالت می طلبد تا از اموال شهود محافظت شود.

بر اساس اساسنامه دادگاه رواندا یکی از وظایف بخش حمایت از شهود و بزه دیدگان، گسترش برنامه های کوتاه مدت و بلند مدت برای حمایت از شهودی است که پیش از برگزاری جلسه دادگاه شهادت داده اند و نسبت به زندگی، اموال یا خانواده شان

تهدید شده اند. اگرچه این تدبیر حمایتی در قوانین داخلی مورد توجه واقع نگردیده اما استفاده از این روش حمایتی با توجه به تأثیر بالای آن در حمایت از شاهد در حقوق داخلی کشورها ضروری به نظر می رسد (باقری نژاد، ۱۳۸۲).

۲-۲-۳ پرداخت خسارت به شاهد در صورت ادعای ضرر و زیان

پرداخت خسارت به شاهد در صورتی که وی متحمل خساراتی گردیده باشد و از دادگستری تقاضای جبران خسارت نیز نموده باشد از جمله شیوه های حمایتی غیرکیفری است که می تواند مورد توجه قرار گیرد. چه بسا شهودی برای ادای شهادت مجبور شوند یک یا چند روز کار خود را تعطیل نموده و برای رفت و آمد به دادگاه هزینه نیز پرداخت نمایند. در همین راستا، در ماده ۲۱۵ آ.د.ک آمده است: «در صورتی که شاهد یا مطلع برای حضور خود درخواست هزینه ایاب و ذهاب کند یا مدعی ضرر و زبانی از حیث ترک شغل خود شود... بازپرس هزینه ایاب و ذهاب را طبق تعرفه ای که قوه قضاییه اعلام می کند و ضرر و زیان ناشی از ترک شغل را در صورت لزوم با استفاده از نظر کارشناس تعیین و شاکی را مکلف به تودیع آن در صندوق دادگستری می نماید...» توجه به این ماده نشان می دهد که قانونگذار درصدد بوده است تا در هر صورت خسارت وارده به شاهد جبران گردد. لذا اگر متقاضی احضار قادر به جبران خسارت نباشد یا دادگاه متقاضی حضور شاهد باشد، جبران خسارت از طریق صندوق دادگستری صورت گیرد.

همچنین در ماده ۸ لایحه حمایت از منابع و شهود در رابطه با پرداخت حق الزحمه افرادی که به عنوان نفوذی و مخبر عمل می کنند آمده است: «حق الزحمه منابع، با توجه به نوع و میزان مأموریت، کارآیی و عملکرد آنها توسط مراجع ذی صلاح تعیین و پرداخت خواهد شد». در واقع، مخبرین و افراد نفوذی به عنوان یک شغل و کار، ارتکاب جرم را به مقامات اطلاع می دهند و دستمزد می گیرند اما منظور از خسارت به شاهد پرداخت دستمزد در ازای شهادت نیست؛ زیرا شهادت یک وظیفه اخلاقی بوده و قابل برآورد مالی نیست. اگرچه در جهت حمایت از شاهد می توان خسارات وارده به او را جبران نمود در حالی که فرد نفوذی و مخبر در ازای دادن اطلاعات، حقوق و دستمزد دریافت می نماید و در واقع شغل و کار او، کسب اطلاعات و شهادت در نزد دادگاه است. اگرچه حمایت از فرد نفوذی و مخبر نیز با استفاده از شیوه های دیگر بسیار ضرورت دارد اما دادن دستمزد به او به منظور حمایت از او نیست بلکه او حقوق خود را دریافت می دارد (باقری نژاد، ۱۳۸۸).

علاوه بر قوانین داخلی در برخی موافقتنامه های منطقه ای به پرداخت خسارت به شاهد در جهت ادای شهادت اشاره شده است. به عنوان نمونه در ماده ۲۹ قانون موافقتنامه همکاری قضایی در زمینه های حقوقی، بازرگانی، کیفری، احوال شخصیه، استرداد مجرمان و انتقال محکومان به زندان و تصفیه ترکه ها بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عربی سوریه مقرر گردیده: «شاهد یا کارشناس مذکور در ماده سابق می تواند از کشور درخواست کننده تقاضای هزینه سفر و اقامت و اجرتی که از آن محروم شده را بنماید.» اما با وجود اینکه این شیوه حمایتی در قوانین داخلی و موافقت نامه های منطقه ای بیان گردیده اما در اسناد بین المللی به صراحت از این روش سخنی به میان نیامده است. البته شاید بتوان گفت در جرایم بین المللی حمایت از جان شهود ضروری و بدیهی بوده و نقل و انتقال آنها به دادگاه توسط نهادهای مستقر در دادگاه های بین المللی صورت می گیرد، لذا از دیدگاه تدوین کنندگان این اسناد لزومی به ذکر این شیوه حمایتی احساس نگردیده است. علاوه بر این می توان گفت که در بیشتر اسناد بین المللی همانگونه که قبلاً نیز ذکر شد شیوه های حمایتی از شهود به صورت مصداقی ذکر گردیده و می توان این تدبیر حمایتی را نیز اعمال نمود.

نتیجه گیری

آنچه از نظر گذشت حمایت از شهود در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و کنوانسیون های بین المللی بود. با توجه به آن نتایجی حاصل گردید:

حمایت از شهود امری ضروری در جلب مشارکت شهروندان در دادرسی و اجرای عدالت است. انجام حمایت های لازم از شهود نیازمند وضع قوانین و مقررات، تخصیص و تأمین بودجه مناسب و در نظر گرفتن نهادی جهت حمایت از این قشر است. در کشور ما با تبعیت از سنت تمرکزگرایی در قانون نویسی تلاش شده تا مقررات مربوط به حمایت از شهود در قانون آیین دادرسی کیفری جمع و متمرکز شود. هرچند موضوع حمایت از شهود در ارتباط با محاکم کیفری اهمیت و نمود می یابد ولی دامنه آن بسیار گسترده تر از قانون آیین دادرسی کیفری است که تشریفات دادرسی در طول محاکمه را بیان می دارد. با این حال، قانون آیین دادرسی کیفری جدید حمایت های خوبی را از شاهد به عمل آورده است که در مواد مختلف مذکور از آنها یاد شده است. حمایت از شاهد در جلسه دادرسی و همچنین خارج از جلسه دادرسی توسط دادگاه صورت می گیرد و شامل خود شاهد و بستگان و خانواده شاهد نیز می شود. از حمایت های تصریح شده در قانون جدید، عدم افشای هویت شاهد و تغییر محل اقامت او، جبران خسارات مالی و محافظت از اموال او، عدم مواجهه حضوری شاهد با متهم و یا شهود با یکدیگر، تحقیق از شاهد در اتاق قاضی و به صورت انفرادی، استماع الکترونیکی شهادت، غیرعلنی بودن جلسه رسیدگی و... می باشد. به علاوه اینکه شاهد می تواند مخارج و خساراتی را که در جهت ادای شهادت متحمل شده است مطالبه نماید. در این صورت طبق نظر کارشناس شاکی باید از عهده این خسارات برآید و در غیر این صورت دولت باید این هزینه ها را بپردازد.

همچنین، حمایت از شهود در سایه اتخاذ روش های غیرکیفری بیشتر تأمین و تضمین می شود. تغییر در شیوه تحصیل شهادت و فاصله گرفتن از شیوه های سنتی ادای شهادت در قالب برگزاری غیرعلنی جلسه دادرسی یا ایجاد مانع بین شاهد و متهم یا استفاده از وسایل و ابزار جدید می تواند شاهد را در مقابل خطرات احتمالی محافظت نماید.

پیشنهادهات

۱- پیشنهاد می شود محققین حقوق کیفری در باب مبنای حمایت از شاهد در قانون آیین دادرسی کیفری در منابع فقهی و پیشینه آن تحقیق جامعی به عمل آورند؛ زیرا در منابعی که در این نوشتار از آنها استفاده نمودیم به مبنای فقهی حمایت از شهود اشاره ای نشده بود.

۲- ایجاد یک شعبه در دادگستری ها به عنوان حمایت از شهود و بزه دیدگان علاوه بر مددکاری اجتماعی بزهکاران تأسیس گردد؛ زیرا شهود و بزه دیدگان نیز همانند بزهکاران در معرض خطر هستند. خطراتی که در بیشتر مواقع بدون پیشینه سوء و یا حتی با نیت خیر خواهانه در جهت تأمین عدالت به طور ناخواسته ممکن است گریبانگیر شهود و بزه دیدگان شود.

۳- مطالعه حمایت از شهود در سال های گذشته نیز مورد توجه محققین بوده است، لذا، در آینده نزدیک بهتر است به عملی تر کردن این راهکارها بیشتر همت بگمارند و همه این راهکارهای عملی از مرحله نظری به مرحله عملی راه یابد.

۴- علاوه بر تحقیق در کنوانسیون های بین المللی که موضوع این پایان نامه بود، مطالعه تطبیقی با قوانین سایر کشورها نیز می تواند موضوع خوبی برای پژوهشگران و دانشجویان باشد.

۵- در راستای تحقق هدف قانونگذار از تدوین قوانین مربوط به حمایت از شهود ساز و کارهای عملی مختلفی وجود دارد که می توان از آنها بهره جست؛ از جمله ساختن خانه های امن برای شهود در جهت تأمین امنیت آنها، مخصوصاً در پرونده های مربوط به جرایم سنگین و مهم. بدین گونه که شهود از ابتدای شروع تعقیب و شناسایی تا پایان رسیدگی و یا حتی تا اجرای حکم در خانه هایی زندگی کنند که از سوی مسئولین محافظت می شوند. البته این راهکار باید طوری اجرا شود که موجب ایجاد محدودیت برای شهود و در تنگنا قرار دادن آنها نشود.

منابع و مأخذ

۱. آخوندی، محمود، آیین دادرسی کیفری، ج ۱، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، تهران، ۱۳۷۴
۲. آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، ج ۲، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۳
۳. _____ آیین دادرسی کیفری، ج ۲، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۴
۴. _____ عدالت کیفری، (مجموعه مقالات) بحث پیرامون توقیف احتیاطی، انتشارات خورشید، تهران، ۱۳۸۴
۵. اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، ج ۲، نشر میزان، تهران، ۱۳۸۴
۶. استفانی، گاستون، لواسور، ژرژ، بولک، برنار، آیین دادرسی کیفری، ترجمه: حسن دادبان، ج ۲، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ۱۳۷۷
۷. انصاری، ولی الله، حقوق تحقیقات جنایی، انتشارات سمت، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۰
۸. امیدی، جلیل، دکتر محمد آشوری و حق دفاع متهم، علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری) تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۳
۹. باقری نژاد، زینب، حمایت از شهود در حقوق ایران، فرانسه و اسناد بین المللی، انتشارات خرسندی، تهران، ۱۳۹۱
۱۰. پاد، ابراهیم، حقوق کیفری اختصاصی، ج ۲، انتشارات رهام، تهران، ۱۳۸۱
۱۱. تارا، جواد، فلسفه حقوق و احکام در اسلام، ج ۱، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۵
۱۲. تدین، عباس، قانون دادرسی کیفری فرانسه، انتشارات وزنامه رسمی، ۱۳۸۸
13. Lacko, Gregory, The protection of witnesses, www.justice.gc.ca/en/ps/inter/protect-witness
14. Abadinsky, Howard, Organized crime, Wadsworth Thomson Learning, 6ed, 1994, Chicago
15. J. Garden, Thomas and Terry M. Anderson, Criminal Evidence, Thomson Wadsworth, 6ed, 2003

Protection of Witnesses in Domestic Laws and International Conventions

Amer Moghadam¹, Jamal Albohesar²

1. *Master of Criminal Law and Criminology*

2. *Master of Criminal Law and Criminology*

Abstract

Too much attention to the content of the probative value of testimony has caused researchers to neglect one of the most important components of testimony, namely protecting the witness in the trial process. The witness who takes over the task of witnessing documents or giving evidence in courts are subject to threats and physical and mental harm by criminals or their accomplices, especially in serious or organized crimes. Fear of threats and physical and psychological suffering discourages individuals to witness in courts and thus acts as a barrier to the discovery of many crimes. Protection of witnesses in various physical, mental, security, psychological and financial dimensions has been considered in international conventions as well as Iranian Criminal Procedure Act of 2013.

This research which has been conducted using a descriptive-analytical method indicates that through specialized legislation regarding protection of witnesses and reference to this issue in the rules, the witness is protected as one of the most important elements of maintaining security in the society.

Keywords: testimony, witness, informed person, criminal protection, non-criminal protection, international conventions
